

چالش‌های فراوی حقوق بشردوستانه در جنگ پست مدرن

نادر ساعد^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۲۹

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۳/۵

صفحات مقاله: ۵۱-۶۶

چکیده

جنگ پسامدرن، ترکیب فناوری، احساس در قالب زبان پسامدرنیسم است که جلوه‌هایی جذاب از رفتارهای متکی به نتایج پیشرفته‌ترین علوم و فناوری‌ها را ارائه می‌نماید و در پهنه خارج کردن انسان از میدان جنگ و جایگزینی ماشین، به ظاهر قربانیان انسانی جنگ را کاهش می‌دهد اما به واقع، رابطه انسان - انسان در نبرد را به ماشین - انسان و یا ماشین - ماشین تبدیل می‌نماید که در آن، ماشین بدون احتیاط‌های رفتاری مبتنی بر اصول مسئولیت انسانی و حقوقی، حداکثر سطح از انسان‌ها و اموال را در کمترین زمان، منهدم می‌نماید. این نوع جنگ مشتمل بر مصادیق متعددی است که اگر همه ابعاد جنگ‌های مدرن را متحول نکرده باشند، در بسیاری از ابعاد، مؤلفه‌های جنگ مدرن را درنور دیده بلکه آنرا غیرانسانی‌تر نموده‌اند.

در این نوشتار، دکترین جنگ پست مدرن، مبانی و مصادیق آن بررسی و آثار آن بر حقوق بشردوستانه درگیری‌های مسلحانه تحلیل می‌گردد.

* * * * *

۱ - دکتری حقوق بین‌الملل و مدیر گروه صلح کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی.

کلید واژگان

جنگ پسامدرن، جنگ پیشامدرن، جنگ مدرن، حقوق بشر دوستانه، اندیشه نظامی.

مقدمه

جنگ (به تعبیر نظامی آن) یا درگیری مسلحانه (به عنوان مفهومی حقوقی و جامع تر از جنگ و البته محدودتر از نزاع یا منازعه در ادبیات سیاسی و امنیتی)، نمادی از کاربری گسترده نیروی مسلحانه و سلاح در کنش‌های متقابل افراد انسانی خواه در مجموعه اجتماعی واحد یا متعدد به نام دولت - کشور است. این نبردها را می‌توان بسته به نوع نگرش و غایت تحقیق، دسته‌بندی و تفکیک نمود و مورد مطالعه قرار داد. یکی از این شاخص‌ها، گونه‌شناسی درگیری‌های مسلحانه با مدنظر قرار دادن پویای تاریخی تحول در ابزارهای مؤثر بر کیفیت نبرد است.

در این رویکرد، نه تنها تحول تاریخ تحولات نظامی در نظر گرفته می‌شود بلکه اندیشه‌های سیاسی و حقوقی حاکم بر آن‌ها نیز که موجب توسعه علوم و دانش یا صنایع نظامی شده‌اند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع، هم شکل مورد نظر است و هم محتوا. در این راستا، جامعه انسانی تحول تدریجی سه نوع جنگ یا درگیری مسلحانه را شاهد بوده است: جنگ‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن که برخی آن را موج‌های اول، دوم و سوم جنگ (تافلر و همکاران، ۷۵: ۵۹، ۶۵ و ۹۶) نامیده‌اند. در هر یک از این دوره‌ها، اوصاف و مؤلفه‌های جنگ بویژه تاکتیک‌ها و راهبردها، متفاوت و متحول شده و به تناسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی، نسخه‌ای خاص از آن‌ها تبیین و مورد عمل قرار گرفته است. ضمن اینکه گذار از هر دوره، الزاماً به معنای صرف‌نظر کردن از میراث گذشته و خلق پدیده‌ها و الزامات کاملاً نوین نبوده، بلکه ترکیبی از میراث‌های قابل اعمال در دوره‌های جدید و ابداع روش‌ها و ابزارهای مناسب شرایط نوین، در دستورکار قرار گرفته است.

حقوق بشردوستانه با درک ناتوانی حقوق منع توسل به زور در ایجاد جهانی عاری از پدیدارهای جنگی، در صدد برآمده تا نوع و سطح رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران در طول جنگ را سامان داده و به صورتی محدود و کنترل نماید که مقتضیات انسانی و کرامت بشری تحت‌الشعاع نبرد و رفتارهای خصمانه و خشونت‌های جنگی قرار نگیرد. پویایی قواعد حقوق بین‌الملل، لازمه پاسخگویی آن به نسل جدیدی از مشکلات جهانی، خواه مشکلات درون دولت‌ها (اسلوتر و همکاران، ۸۵: ۸۲۷) و خواه ناشی از این بازیگران است. حقوق بشردوستانه نیز در صورتی به هدف خود خواهد رسید که وضعیت جنگ را درک نموده و بادر نظر گرفتن ابعاد و جهات آن، قاعده‌سازی نموده و متحول گردد. اما کاربرد فناوری در جنگ‌های پسامدرن به‌رغم فلسفه‌ها و توجیه‌هایی که در مورد آن می‌شود، (رک به: دانلپ، ۷۷: ۱۹۵-۱۹۲) کاربرد فنون و روش‌های نبرد را غیرانسانی‌تر نموده، زنگ خطر را از منظر امنیت انسانی^۱ به صدا درآورده است. در این مقاله، با پردازش اوصاف جنگ‌های پسامدرن که در واقع ناظر بر دوران معاصر و آینده می‌باشد، میزان پاسخگویی حقوق بشردوستانه‌ی موجود به چالش‌های این نوع درگیری مسلحانه را ارزیابی خواهیم کرد.

خاستگاه جنگ پسامدرن و جایگاه آن در اندیشه نظامی معاصر

تاریخ مؤید آن است که سطح خشونت و قربانیان درگیری‌های مسلحانه، به تدریج افزایش یافته است. در واقع، بین توسعه صنعت و اقتصاد از یک سو و نتایج خشونت‌بار و فجایع جنگ‌ها، رابطه‌ای مستقیم برقرار است به طوری که پیشرفت و توسعه ناشی از علوم و صنایع بی‌واسطه به امور نظامی و سلاح‌های

1 - Human Security

مورد استفاده در درگیری نیز بسط یافته است. در این راستا، روشن است که در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، «تحولات عرصه جنگ نیز همانند و همگام با سایر تحولات صنعتی، اقتصادی و سیاسی، شتاب بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. اما قدرت ویرانگری جنگ‌های جدید که نتیجه بکارگیری آخرین پیشرفت‌های علمی در ساخت جنگ‌افزارهای بی‌سابقه است، از تازگی و بدعت خاصی برخوردار است». (گری: ۳۹)

جنگ‌های پسامدرن، شاید عمومی‌ترین عنوان برای بیان جنگ‌هایی است که در اثر ادغام و ترکیب فناوری‌های فوق پیشرفته نظامی با اهداف و سیاست‌های نظامی، ایجاد شده و نمود یافته است. در ادبیات راهبردی و نظامی راجع به این تحولات، از سال ۱۹۷۴ تا کنون عناوین زیر را برای توصیف چنین جنگ‌هایی بکار برده‌اند: جنگ مداوم، جنگ فناوری، جنگ متکی به فناوری عالی یا فناورانه، جنگ کامل، جنگ خیالی، جنگ رایانه‌ای، جنگ پایان‌ناپذیر، نظامی‌گری آمریکایی، جنگ سیبرنتیک، جنگ فوق‌مدرن، جنگ فرامدرن، جنگ غیرواقعی، جنگ اطلاعات، جنگ اینترنتی، جدال مرزها، جنگ موج سوم، جنگ نسل ششم، جنگ دوران چهارم و جنگ محض. (همان: ۴۱-۴۰) برخی نیز برای معادل این جنگ در ادبیات نظامی کشورمان، آن را «جنگ فضیلت‌مند» نامیده‌اند. از طرف دیگر، در قالب جنگ‌های آینده (اسکیلز: ۸۴) یا نوین (مونکلر، ۸۴: ۱۶۸) که ناظر جنگ‌های قابل و محتمل‌الوقوع در دوره بعد از مدرنیسم است، برخی از اجزای جنگ‌های پسامدرن تحت عناوین مجزایی نظیر جنگ‌های کم هزینه (همان: ۱۶۸) بیان شده است.

۱ - گونه‌شناسی جنگ‌ها با تکیه بر شاخص فناوری و تحول جنگ‌افزار

جنگ را می‌توان با توجه به شاخص‌های متعدد، دسته‌بندی نمود. از حیث تحول تاریخی و با تمرکز بر سطح توسعه یافتگی جنگ‌افزارها یا تنوع جنگ‌ها از حیث انواع متفاوت ابزارهای جنگی، سه دوره متمایز را می‌توان مدنظر قرار داد:

جنگ‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. فایده این دسته‌بندی علاوه بر تفکیک تحولات نوظهور در درگیری‌های مسلحانه از موارد گذشته، برجسته‌سازی جنگ‌های پسامدرن به عنوان مواردی متفاوت از قالب عادی طرح‌ریزی شده و مورد نظر تدوین کنندگان حقوق بین‌الملل بشردوستانه (معاهدات ۱۸۹۹، ۱۹۰۷ و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و هم‌چنین پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷) برای درگیری مسلحانه است.

جنگ پسامدرن، نقطه‌ی عطفی در تاریخ در حال ظهور است که نه تنها صحنه مشروع جنگ^۱ بلکه منطقه نبرد^۲ و رزم (ر.ک به: بیگدلی، ۸۰: ۱۰۲-۹۵) را به شدت متحول می‌نمایاند و این تحول را حول محورهایی نظیر فناوری و استفاده‌های نوین از فناوری‌ها و جنگ‌افزارهای سنتی متمرکز می‌سازد. توسعه ریشه‌ای و گسترده در وسایل حمل و نقل، ارتباطات، اطلاعات، جنگ‌افزارهای هوشمند، حضور پر قدرت و مؤثر رایانه‌ها در تصمیم‌گیری نشانگر مواجهه مجدد انسان یا شکل جدیدی از جنگ است که با اشکال سنتی و مدرن آن تفاوت‌های اساسی دارد. به همین دلیل است که علی‌الظاهر^۳ حقوق بشردوستانه ناظر بر جنگ‌های مدرن و پیشامدرن نمی‌تواند پاسخگوی کامل ابعاد جدید و نوظهور جنگ‌های آینده باشد؛ جنگ‌هایی که این حقوق هرگز وقوع آن را متصور نبوده و در فرایند پیدایش قواعد بشردوستی نیز آن‌ها را مدنظر نداشته است.

نتیجه جنگ پست مدرن، تولید و تکثیر فناوری نظامی؛ مرگ مافوق تصور و تولید مثل علم فناوری که هم پدر و هم مادر آن بشر است. در سطح ناخودآگاه، نابودی گسترده ناشی از جنگ به همان میزان زیایی گسترده را به همراه دارد.

1 - Theatre of war

2 - Region of war

3 - Prima Facie

متأسفانه زاده‌های جنگ پست مدرن در مرحله‌ی زاینده‌گی چیزی جز سلاح‌های جدید و جنگ‌های تازه نیست. در واقع، با اینکه در دوره پست مدرنیسم دکترین جنگ تمام عیار، به جنگ‌های محدود دوران پیشامدرن بازگشت نمود و جنگ‌های کم شدت متکی به فناوری‌های عالی و فوق پیشرفته در دستورکار است اما الزاماً نمی‌توان گفت نتایج و پیامدهای این قبیل جنگ‌ها، کمتر از جنگ تمام عیار دوران مدرنیته است.

در کل، نتایج و پیامدهای مخرب جنگ پسامدرن چنان است که برخی آن را چرخش زندگی به مرگ (ر.ک به: گری: ۲۸۱) نامگذاری کرده‌اند. فجایع این نوع جنگ متعاقب جنگ جهانی دوم یا جنگ بزرگ (آخرین و بدترین نمونه جنگ مدرن) به خوبی بیان شده است، نشان داد. البته این نخستین فاز از این قبیل جنگ‌ها است که نهایتاً به جنگ کویت و موارد آینده پیوند می‌خورد. می‌گویند با چنین جنگ‌هایی، میل به ساختن، جای خود را به شوق نابودی داده، پایه‌های تمایل به تقویت و کشش به سمت ایجاد و آفرینش روزبه‌روز انتزاعی‌تر شده است. (همان: ۲۸۱)

۲ - مؤلفه‌ها و اوصاف اصلی جنگ پسامدرن

مؤلفه‌ها و اوصاف جنگ پسامدرن، تابعی از اوضاع و احوال پسامدرنیسم در مقایسه با مدرنیسم است. دوران مدرنیته از دهه‌ی نخست ۱۵۰ میلادی شروع و تا اواسط یا اواخر قرن بیستم و به طور دقیق‌تر، تا قبل از وقوع جنگ جهانی دوم، ادامه داشته و در خلال آن، جنگ نیز به عنوان پدیده‌ای متأثر از دوران، اوصاف مدرن داشته است. اما با آغاز جنگ جهانی دوم که حدفاصل جنگ مدرن و بسترسازی تحول به سمت ایجاد جنگ‌های فرامدرن یا پسامدرن است، منطق و فرهنگ جنگ مدرن تغییرات محسوسی یافت. در این میان می‌توان بویژه به جایگاه و نقش اطلاعات اشاره کرد. اطلاعات و ملازمانش یعنی رایانه در خدمت پردازش آن، تجهیزات چندرسانه‌ای در خدمت گسترش در آن و سیستم‌ها در

خدمت عرضه آن، به اساسی‌ترین نماد دوران پست مدرنیته بدل گردیده و نقش یک حربه، اسطوره، استعاره، عامل فزاینده توان رزمی، اهرم نفوذ، مجاز، عامل و دارایی را در این برهه به خود گرفته است. اطلاعات همواره در جنگ‌ها حائز اهمیت بوده اما امروزه دیگر به برجسته‌ترین عامل نظامی تبدیل شده، هرچند هنوز یگانه عامل مؤثر نمی‌باشد.

در واقع، از سال ۱۹۴۵ مصادف با خاتمه بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر تا کنون، در دوران پست مدرنیسم و جنگ پسامدرن به سر می‌بریم و جنگ‌های سرد از اجزای تفکیک‌ناپذیر این دوران به شمار می‌روند (همان: ۴۳) که در وضعیت معاصر، در مواردی نظیر جنگ سوم خلیج فارس نیز نسل اولیه این جنگ‌ها محقق شده است. گفته می‌شود که پسامدرنیسم، متضمن چند وصف عمده زیر است: «۱ - اطلاعات، اصلی است اساسی و سازنده؛ ۲ - نقش فراقواعد حاکم بر قواعد نظام‌هایی خاص که اهمیت بسیار بالایی دارند؛ ۳ - افزایش سرعت به صورتی سرسام‌آور». (همان: ۲۰۲-۲۰۱) بر این اساس، جنگ‌های پسامدرن نیز واجد چنین اوصافی در روابط خصمانه دولت‌ها و بکارگیری کم و کیف نیروهای مسلح علیه همدیگر است. در این راستا، به نظر می‌رسد آنچه هم اکنون جنگ را متفاوت ساخته و رای مقولاتی نظیر فناوری عالی و رایانه و داشتن سرعت برق آسا و علم سایبرنتیک و بهره‌برداری نظامی از اطلاعات است.

الف) نقش راهبری و کلیدی رایانه

درست است که بدون برخورداری از یک سطح پایه‌ای و مشخص از فناوری، امکان جنگیدن وجود ندارد اما در چندسال اخیر شاهد گسترش باور کردن پیوندهای متقابل میان نیروهای سازنده و براندازنده بوده‌ایم که آخرین و ای‌بسا سرنوشت‌سازترین آن‌ها پیوندی است که میان رایانه‌ها و نیروهای مسلح و نظامی برقرار شده است. (همان: ۱۷)

استفاده از رایانه در جنگ، نقطه اوج فرایند طولانی ماشینی کردن مدیریت و عقلانیت در نیروهای نظامی آمریکا است که متعاقب سال‌ها هزینه و برنامه‌ریزی نظامی، اکنون به ظهور نظام جنگ پسامدرن بویژه در بکارگیری جنگ مجازی از طریق نتایج علوم و فنون فوق پیشرفته سایبری انجامیده است. علم فناوری^۱ مدرن در حال ایجاد دگرگونی‌هایی باور نکردنی در انسان و بر بدن‌های واقعی و فیزیک بشر و نیز در جهان و محیط پیرامون و هم‌چنین بر عناصر چنین محیطی است. تحقق یافتن افسانه سیبورگ به مثابه ترکیبی از انسان و رایانه و یا رایانه آدم نمای هوشمند و دارای توان رزمی و بکارگیری آن در میدان جنگ به عنوان جایگزین نیروی انسانی، از نتایج و محورهای این جنگ در منازعات آینده تلقی می‌گردد.

ب) تحول و گسترش عناصر و مؤلفه‌های عملیات نظامی

سال‌ها پیش نظریه پردازان نظامی اعلام کردند که برای جنگ مدرن به C2 یعنی دو مقوله فرماندهی و کنترل، نیاز است. با وقوع نخستین جنگ‌های پسامدرن، فرمول مذکور به C3I یعنی دو مؤلفه قبلی به همراه دو مؤلفه جدید «ارتباطات و اطلاعات» تبدیل شد. اما سرانجام در اواخر دهه ۱۹۸۰، آن فرمول جای خود را به C4I2 یعنی فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات و تعامل میان کاربران رایانه با خود و با رایانه‌ها داد. (همان: ۹۳)

در این صورت، انسان هر آنچه تاکنون ساخته و پرداخته است، در خدمت جنگ قرار داده و از کلیه یافته‌ها و مصنوعات خود و تجاربی که در گذشته و حافظه تاریخی خود اندوخته است، برای هدایت جنگ بکار می‌گیرد به نحوی که با کنترل قطعی عناصر دخیل در صحنه نبرد، پیروزی را به عنوان نتیجه‌ای قطعی به چنگ آورد.

1 - Techno-Science

پ) بسط سیاست افزایش تسلیحات

با اینکه دسترسی به تسلیحات، تابع موازین حقوق صلح است، اما جنگ‌های پسامدرن با ایجاد انگیزه‌های قوی در دولت‌ها برای افزایش حجم زرادخانه نظامی خود از سلاح بویژه سلاح‌های جدید، متضمن نوعی تشویق به مسابقه تسلیحاتی است که چند قرن از امحای چنین ایده‌ای در سطح روابط بین‌المللی می‌گذرد. به تعبیری، «حیات جنگ پسامدرن بسته به وجود تنش در عرصه بین‌الملل و رقابت تسلیحاتی حاصل از آن است که باعث می‌شود سطح تولید تسلیحات در بالاترین حد ممکن بماند و از آن طرف احتمال وقوع درگیری نظامی واقعی میان قدرت‌های عمده جهانی به حداقل برسد». (همان: ۴۴-۴۳) در واقع، بسط اندیشه جنگ پسامدرن، ضربه‌ای شدید بر نظام بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات تلقی می‌شود که اولویت آن در سیاست و راهبرد دولت‌ها را از میان می‌برد.

پیامدهای جنگ پسامدرن بر حقوق بشردوستانه

با تأمل در مبانی و اصول جنگ پسامدرن و مسیری که این راهبرد برای جنگ‌های آینده ترسیم می‌کند، چالش‌های فراوانی از منظر عدم مطابقت آن‌ها با موازین حقوق بشردوستانه (و هم‌چنین حقوق توسل به زور و حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات) قابل دریافت است. با اینکه بررسی پیامدهای تفصیلی عدول جنگ پسامدرن از رعایت اصول حقوق بشردوستانه، مستلزم بررسی هر یک از مصادیق این جنگ است، در این خصوص می‌توان برخی موارد کلی را به شرح زیر استنباط و دسته‌بندی نمود.

۱- ارتقا و اختفای خشونت مخاصمه

با اینکه تئوری جنگ پسامدرن با ادبیات و زبان خاصی که دارد، جذاب و مهیای استقبال است اما اگر این پوسته ظاهری کنار رود و در عمق آن تأمل شود، روشن

می‌گردد که از یک سو، نه تخفیف دهنده درد و رنج‌های انسانی و تخریب‌های غیرقابل اغماض ناشی از جنگ، بلکه ارتقا دهنده آن‌ها است. از سوی دیگر، آنچه بر سر انسان در این نوع جنگ‌ها می‌رود، در سایه قشر خارجی و زینده جنگ فضیل مند، مخفی می‌گردد گویی با توسعه این نوع جنگ‌ها (به فرض که با توسعه جهانی علوم و دانش فناوری نظامی پسامدرنی، ممکن شود)، نوش دارویی برای تحکیم رعایت و احترام به کرامت انسانی در درگیری‌های مسلحانه بدست آمده و اگر غرب به توسعه فناوری ای پیشرفته و فوق پیشرفته نظامی می‌اندیشد و در این مسیر هزینه می‌نماید، به دلیل تقلیل فجایع و قربانیان انسانی در درگیری‌های احتمالی آینده است و از این رو، موازین حقوقی نیز باید به جای تقبیح چنین مسابقاتی در تعدادی محدود از قدرت‌های نظامی جهان، تسهیل کننده مسیر انسانی شدن جنگ‌های آینده از طریق نتایج علم فناوری نظامی باشد.

جنگ بدون خشونت که راهبرد و دکترین جنگ پسامدرن به شدت تبلیغ می‌کند، عملاً نفی ماهیت جنگ بلکه نظریه‌ای غیرواقعی و عمدتاً ذهنی است که در عمل، نه تنها تغییر چندانی در سطح و حجم قربانیان ایجاد نمی‌کند بلکه روابط انسانی ناشی از درگیری را که با عاطفه و احساس بشردوستی همراه هستند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به روابط ماشین-انسان تبدیل می‌نماید که یک طرف (ماشین) در روش و نحوه اعمال خشونت و درجه آن، جز آنچه هوش مصنوعی نهفته در آن مقرر نماید، هیچ محدودیتی نخواهد شناخت. جنگ پسامدرن بدون اینکه تأثیر مثبت جدی بر روند خشونت زایی درگیری‌های مسلحانه داشته باشد، انعکاس‌ها و ظواهر راجع به انتشار اخبار و وقایع درگیری را دگرگون می‌سازد و در این میان، از طرف‌های راهبردی در مسیر تحقق سیاست‌های هژمونی استفاده می‌گردد.

به تعبیری، «مرگ انسان‌ها خشونت را خفیف می‌کند و آن را از معرض دور می‌سازد و از ذهن نیز بیرون می‌کند» در حالی که اگر حقیقت از پس این پردها

ظاهر گردد، بسیار متفاوت از آن چیزی خواهد بود که از فیلتر راهبرد جنگ پسامدرن می‌گذرد. در جنگ پسامدرن، خشونت شکلی پیشرفته و متعالی گرفته و در پس پرده تکنولوژی و نظریه‌های انسان محوری یا جایگزینی انسان با ماشین در جنگ، پنهان شده است. به عنوان نمونه، نتیجه سیاسی جایگزینی انسان با ماشین در جنگ پسامدرن این است که ماشین‌ها نه تنها از نظر فیزیکی بلکه به لحاظ روحی نیز سربازان را در کشتن تعداد هر چه بیشتری از نفرات دشمن یاری می‌کنند. چراکه کشتن انسان‌ها به صورت تن به تن، یک به یک و رو در رو، کار چندان ساده‌ای نیست. اما وقتی ماشین وارد عمل می‌شود، می‌توان افراد زیادی را از فاصله دور کشت (همان: ۹۹) بدون اینکه احساسات انسان‌ها نسبت به همدیگر مجالی برای موضوعیت بیابد.

۲- فراموشی نقش و حرمت انسان

جنگ، رفتاری اجتماعی است که هرچند ضداارزش و ناهنجار تلقی می‌گردد، نمادی از روابط انسانی بلکه تجسم بالاترین آستانه برخورد^۱ و جدال میان اعضای اجتماع انسانی (اعم از داخلی و بین‌المللی) است. جنگ رابطه‌ای مستقیم با انسان دارد تا حدی که گفته می‌شود «جنگ تنها ساخته و پرداخته انسان‌ها نیست بلکه خود آنان است». (همان: ۳) با افزایش نقش ماشین به طور عام و سلاح به طور خاص در جنگ‌های پسامدرن که حتی به نبردهای از راه دور نیز می‌انجامد، میدان جنگ از صحنه نبرد تن به تن و حضوری انسان‌ها به صحنه نبرد ملت‌های در حال توسعه (راهبردهای متکی به نیروی انسانی و تجهیزات نه چندان پیشرفته) با ارتش‌های سیبورگ و تجهیزات هوشمند مجهز به فناوری‌های

1 - Contact

کنترل از مرکز، تغییر صورت می‌دهد و در این میان، با فراموش شدن نقش نیروی انسانی در صحنه رزم، به تدریج نقش محوری بدن و فیزیک انسان‌های درگیر در این صحنه که اغلب متعلق به نیروی دشمن هستند، به فراموشی سپرده می‌شود.

جنگ پسامدرن سامان‌های را در عرصه امور نظامی جستجو می‌کند که در آن، جسم انسان به حاشیه می‌رود و ماشین به بت تبدیل می‌گردد. به تعبیری زیبا، «در عین اعطای هیبتی انسان گونه به درگیری‌های بین‌المللی، هویت انسانی قربانیان آن‌ها را از آنان سلب می‌نماید». در این صورت، فلسفه حقوق بشردوستانه که همانا حمایت از جسم و جان و کرامت معنوی وی در برابر خشونت‌های درگیری مسلحانه یا «انسانی کردن جنگ» است، به پارادوکس و ابهام دچار خواهد شد. اگر جنگ دیگر نه با واسطه نبرد مستقیم انسان‌ها بلکه با نقش آفرینی مجموعه‌ای ساخته‌ها و مصنوعات بشری باشد، حمایت از انسان در نبردهایی که انسان‌ها تنها از راه دور آن‌ها را کنترل می‌نمایند، چه معنایی خواهد داشت. البته حیات حقوق بشردوستانه در این جنگ‌های مجازی نیز به وقت خود باقی است. در این قبیل جنگ‌ها نیز طرفین (اعم از انسان‌ها و ربات‌ها) به تخریب همدیگر اکتفا نمی‌کنند بلکه غیرنظامیان و اماکن بی‌دفاع و حمایت شده را نیز در بُرد عملیات نظامی قرار می‌دهند و در مواردی نظیر جنگ‌های نامتقارن، از هم‌پایان افراد و اشخاص غیرنظامی به عنوان سپری برای تخریب دشمن و پیروزی در نبرد بهره می‌گیرند. در این صورت، قواعد و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه همچنان اعمال خواهد شد اما در این میان باید نبردهای رباتیک و سیبورگی را که در آن نبرد به صحنه جنگ ستارگان و اقدام متقابل و مستقیم مجموعه‌ای «مباشَرین» بی‌جان ولی فکور و هوشمند و غیرمستقیم مجموعه‌ای از «سبب‌ها» (کاربرهای فناوری فوق پیشرفته نظامی) می‌شود، به عنوان عرصه‌ای تلقی کرد که اعمال قواعد حقوق درگیری‌های مسلحانه معاصر. که اغلب براساس جنگ‌های پیشامدرن و مدرن طراحی شده‌اند، وضعیتی مبهم خواهد یافت. در این موارد،

سبب اقوی از مباشر است و اصولاً مفهوم مسئولیت و تعمد در حقوق بشردوستانه و ضمانت‌های کیفری این حقوق را باید بر «سبب‌ها» اعمال نمود.

۳- تحول مفهوم رزمنده

تاکنون حقوق درگیری‌های مسلحانه همانند دکترین‌های نظامی، بازیگران مستقیم عرصه نبرد را مجموعه‌ای از افراد انسانی شمرده‌اند. به همین دلیل است که ژان ژاک روسو، جنگ را تنها صحنه‌ای موقت از روابط انسانی متباین دانسته که بخشی از اعضای جامعه بشری، در برابر بخشی دیگر قرار می‌گیرد و با خارج شدن شان از قابلیت نبرد، وصف عضویت مشترک در آن جامعه را باز می‌یابند و در برابر همدیگر، صرفاً انسان و مستلزم رفتار انسانی محسوب می‌گردند. در واقع، در جنگ‌های پیشامدرن و مدرن، همواره رزمنده به عنوان فردی انسانی، مجری نهایی تصمیمات و مامور اصلی انجام بخش‌های عینی عملیات نظامی بوده است. به همین دلیل، نه تنها مسئولیت داشته بلکه از حقوقی نیز در برابر دشمن برخوردار بوده است. در چنین فضایی، جایگاهی برای نقش‌آفرینی «سبب» در طول عملیات نظامی وجود ندارد.

اما در جنگ‌های پسامدرن، رزمنده الزاماً «مباشر» در صحنه عملیات نظامی به معنای دقیق کلمه و مفهوم مضیق و خاص حقوقی آن نیست. وقتی که علم فناوری جنگ، نبرد را از صحنه عینی و واقعی به عرصه‌ای مجازی اما بازهم عینی و دارای آثار تخریبی ملموس بر افراد و اهداف دشمن هدایت می‌کند، طبیعی است که رزمنده نیز از مباشر به سبب تغییر وضعیت می‌دهد. در واقع، رزمنده در این نوع نبردها، «کاربرپسامدرنی است که از دورن اتاق و محل کارش با دشمن به ستیز می‌پردازد». (همان: ۹۲) در پرتو همین تحولات است که حقوق بشردوستانه ناظر بر جنگ‌های پسامدرن، باید توسعه تدریجی یافته و به این گونه چالش‌ها به صورت شفاف پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری

جنگ در عصر کنونی که ترکیبی از جنگ مدرن (برای اغلب بازیگران) توأم با دکترین‌هایی متکی به فناوری‌های فوق پیشرفته است، واجد جنبه‌هایی است بسیار جدید و منحصر به فرد که ضمن نمایاندن گسستی بس ژرف میان جنگ جدید و قدیم، به قالب‌های احتمالی جنگ در آینده نیز اشاره دارد. (همان: ۶) در این راستا، وضعیت جنگ در آینده از دو حال خارج نخواهد بود: یا اینکه تعریفی مجدد و آرمانی از عملکرد آن ارائه خواهد شد (یا همان شبیه‌سازی) یا اینکه منطق فعلی حاکم بر جنگ‌های واقعی، جای خود را به نوعی برهان خلف هولناک و حتی فاجعه بار (همان: ۳۹) خواهد داد که قبول و تعمیق آن در دکترین‌های نظامی، نتیجه‌ای جز تضعیف شدید کرامت انسانی و اصول و هنجارهای ناظر بر آن نخواهد بود.

به نظر می‌رسد حقوق بشردوستانه معاصر تنها متناسب با درگیری‌های مسلحانه پیشامدرن و مدرن طراحی شده و مؤلفه‌های قدرت نرم و نرم‌افزار جنگ‌های پسامدرن را در مجموعه موازین تفصیلی در نظر نیاورده است. مواردی نظیر شکل‌گیری مفهوم سبب و مباشر در انجام عملیات نظامی، از جمله مواردی است که مباحث راجع به مسئولیت و رابطه سببیت و هم‌چنین تعمد در ارتکاب جنایات جنگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و پاسخ روشنی برای آن در حقوق بشردوستانه معاصر وجود ندارد. با این حال و در کل به نظر می‌رسد اصول کلی بشردوستی در درگیری‌های مسلحانه همان چارچوب‌های کلان (تفکیک، ضرورت نظامی و تناسب، منع درد و رنج غیرضروری و حرمت بی‌طرفی) است که در درگیری‌های آینده نیز مبنای بشردوستی بوده و قابل اعمالند. (افتخارچهرمی، ۸۲: ۴۶)^۱

۱ - به یک تعبیر، اگر قصد و هدف جامعه بین‌المللی آن باشد که در هر حال و وضعی، حقوق اولیه انسان‌ها از تعرض مصون بمانند، نباید در اصول اولیه و ابتدایی حقوق بشردوستانه دخل و تصرفی ایجاد نماید.

منابع

- ۱ - افتخار جهرمی، گودرز (۸۲)، «حقوق بشردوستانه در آستانه قرن بیست و یکم»، *بررسی تحولات اخیر حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران، سرسم.
- ۲ - اسلوتر، آن ماری و ویلیام بروک وایت (۸۵)، «آینده حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی (یا حقوقی مشابه حقوق اروپایی) است؟»، ترجمه محمدعلی صلح‌چی و هیبت‌اله نژندی منش، *سیاست خارجی*، شماره ۴ (ویژه حقوق بین‌الملل)، زمستان.
- ۳ - اسکیلز، رابرت (۸۴)، *جنگ آینده*، ترجمه عبدالحمید حیدری، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- ۴ - تافلر، الوین و هیدی (۷۵)، *جنگ و پادجنگ*، ترجمه مهدی بشارت، تهران، اطلاعات.
- ۵ - راجرز، آنتونی و پل مالرب (۸۲)، *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، امیرکبیر.
- ۶ - رضائیان، مهرداد (مترجم) (۸۳)، *حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات*، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، سرسم.
- ۷ - ساعد، نادر (۸۶)، «ملاحظات اولیه: ارزش‌یابی جنگ نامتقارن» در: رابین گیب، «ساختارهای جنگ نامتقارن»، *فصلنامه مطالعات بسیج*.
- ۸ - سیاه رستمی، هاجر (مترجم)، *قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷*، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، نشر سرسم.
- ۹ - ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۸۰)، *حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل درگیری‌های مسلحانه)*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۰ - مونکلر، هرفرید (۸۴)، *جنگ‌های نوین*، ترجمه حسن درگاهی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- ۱۱ - جمشیدی، محمدحسین (۸۳)، *جمشیدی، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان*، (تهران، دوره عالی جنگ سپاه).
- ۱۲ - مکزی، کنت (۸۳) *جنگ نامتقارن*، ترجمه عبدالمجید حیدری و محمد غنائی، (تهران، دوره عالی جنگ سپاه).

- ۱۳ - هیلزگری، کریس (۸۴)، جنگ پست مدرن: سیاست نوین درگیری، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران، دوره عالی جنگ سپاه
- 14 - Geib, R. (2006), "Asymmetric Conflict Structures", *International Review of Red Cross (IRRC)*. Vol. 88, No. 864, Dec.
- 15 - Hammond, Philip (2004), "Post-modernity goes to war: Contemporary warfare is more about images and effects than bombs and battles", June, www.spiked-online.com/sections/essays.htm.
- 16 - Non-lethal or less-than-lethal weapons, see www.wikipedia.com/non-lethal-weapons.htm
- 17 - Skelton, I (2001), "Lessons for Asymmetric Conflicts", *Military Review*, (Sep-Oct. 2001).